



واحد تهران مرکزی

گروه آموزشی حقوق

پایان نامه جهت دریافت درجه کارشناسی ارشد (M.A)

گرایش: حقوق عمومی

عنوان:

حقوق عمومی در حکومت علوی

استاد راهنما:

جناب آقای دکتر محمد جواد جاوید

استاد مشاور:

سرکار خانم دکتر هدی غفاری

نگارش:

هادی حسین‌نیا

تابستان ۱۳۹۱

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

شکر و سپاس

الهي سپاس و ستايش تو را سزاست که بخشنده و مهرباني. تو که منت نهاده ما را از برکت وجود شجره معرفت اهل بيت عصمت (عليه السلام) برخوردار نمودي.

ستايش تو را سزاست که ما را به دين اسلام رهنمون شدي و نعمتت را بر ما تمام کردي. اکنون از تو مي خواهيم که براي شکرگزارى نعمتت ياريم کني. شايد نخستين قدم، شکرگزارى از کسانى باشد که آن ها هم به لطف تو مرا در اين کار تحقيقي همراهي نمودند.

از آقاي دکتر محمد جواد جاويد و سرکار خانم دکتر هدي غفاري تشکر مي کنم که در اين راه مرا با علم و معرفت خویش ياري نمودند.

از پدر و مادر عزيزم که برکت وجودشان بر تمام زندگيم سايه افکنده و دعایشان مي دانم راهگشاي مسائلم بوده و هست.

از همسفرم، همسر عزيزم که از ابتدای مسير مشوق حقيقي من بوده اند و بار مسئوليت هاي مرا نيز به دوش کشيدند تا با فراغ بال تحصيل کنم؛ و اين پژوهش را مديون صبر همراهي هاي ايشانم، از خدا مي خواهيم توفيق در بندگي خالصانه و وصول به کمال والاي انسانيت را هر چه بيشتتر ارزانيشان گردانند.

خدای من سپاسگزارم

تقديم به:

محضر مولا و مقتدای بزرگوارمان و امام اولمان
حضرت اميرالمؤمنين علي (ؑ) و مهدي منتظر (عج)، مظهر انسان کامل و همه انسان هاي
وارسته حقيقي که رسيدن به کمال تنها آرزوي دل بي تابشان است.
به اميد فرج ما انسان ها، تا فرج مهدي موعود (عج)
و تحقق آرمان هاي والاي انساني - الهي.

قال الله عزوجل:

قُلْ رَبِّ أَدْخِلْنِي مُدْخَلَ صِدْقٍ وَأَخْرِجْنِي مُخْرَجَ صِدْقٍ وَأَجْعَلْ لِي مِنْ أَدْنِكَ سُلْطٰنًا نَّصِيرًا
(سوره مبارکه أسراء، آیه ٨٠)

قال علي (ؑ):

بالعدل تصلح الرعيه
(نهج البلاغه، خطبه ٣)

فهرست اجمالی مطالب

- ۱- چکیده ۸
- ۲- مقدمه ۹
- ۳- بیان مسئله ۱۰
- ۴- فرضیه تحقیق ۱۱
- ۵- ادبیات موجود ۱۱
- ۶- اهمیت و ضرورت تحقیق ۱۲
- ۷- روش و شیوه تحقیق ۱۲
- بخش اول: بررسی زمینه‌های سیاسی، حقوقی و اجتماعی حکومت امام علی (ع) ۱۳
- فصل اول: آسیب شناسی (موانع و مشکلات) قبل از حکومت حضرت امام علی (ع) ۱۴
- مبحث اول - غارتگران بیت‌المال ۱۴
- مبحث دوم - طالبان قدرت و حکومت (ناکثین) ۱۵
- مبحث سوم - خوارج یا منحرفان از دین (مارقین) ۱۶
- مبحث چهارم - رفاه طلبی و دنیاگرایی مردم ۱۶
- مبحث پنجم - جهالت و ناآگاهی مردم ۱۷
- مبحث ششم - تغییر معیارهای الهی و بازگشت مردم به ارزش‌های جاهلی ۱۸
- مبحث هفتم - کینه‌توزی جمعی از بزرگان قریش از امام علی (ع) ۱۹
- فصل دوم: اصلاحات دوران حکومت امام علی (ع) ۱۹

- مبحث اوّل - اصلاحات امام علي (ؑ) در حوزه سياسي ۲۱
- مبحث دوّم - اصلاحات امام علي (ؑ) در حوزه عدالت اجتماعي (اقتصادي) ۲۷
- مبحث سوّم - اصلاحات امام علي (ؑ) در حوزه قضايي ۳۰
- مبحث چهارم - اصلاحات امام علي (ؑ) در حوزه عقيدتي و تفکر ديني ۳۲
- مبحث پنجم - فرجام اصلاحات ۳۷
- بخش دوم: بررسي ساختار و نظام سياسي - اساسي، اداري و مالي حکومت علوي ۳۹
- فصل اول: بررسي نظام سياسي - اساسي حکومت علوي ۴۳
- مبحث اوّل - مفهوم حکومت در اندیشه امام علي (ؑ) ۴۴
- مبحث دوّم - ضرورت حکومت در اندیشه امام علي (ؑ) ۴۸
- مبحث سوّم - اهداف حکومت در اندیشه امام علي (ؑ) ۵۰
- مبحث چهارم - اندیشه و سيره امام علي (ؑ) در باره وسيله بودن حکومت ۵۸
- مبحث پنجم - بررسي مفهوم مشروعيت حکومت امام علي (ؑ) ۵۹
- مبحث ششم - حقوق اساسي و اجتماعي در حکومت علوي ۷۰
- فصل دوم: بررسي ساختار و نظام اداري حکومت علوي ۹۱
- مبحث اوّل - تاريخچه تأسيس نظام اداري در اسلام ۹۲
- مبحث دوّم - نظام اداري در حکومت امام علي (ؑ) ۹۶
- مبحث سوّم - اخلاق اداري در حکومت علوي ۱۰۸
- مبحث چهارم - ملزومات شکل گيري اخلاق اداري ۱۱۲
- مبحث پنجم - اصول اخلاق اداري ۱۱۶

۱۲۵	فصل سوّم: بررسی ساختار و نظام مالی حکومت علوی
۱۲۵	مبحث اوّل - سابقه تاریخی نظام مالی دولت اسلامی
۱۲۷	مبحث دوّم - رفتار مالی حکومت امام علی (ؑ)
۱۳۶	مبحث سوّم - نظارت و حسابرسی مالی حکومت امام علی (ؑ)
۱۳۹	نتیجه‌گیری
۱۴۲	فهرست منابع و مآخذ

۱- چکیده

عنوان رساله حاضر، بررسی حقوق عمومی در حکومت حضرت علی (ع) می‌باشد. در تعریف حقوق عمومی آمده است که حقوق عمومی به رابطه بین مردم و دولت؛ و همچنین به رابطه بین بخش‌های دولتی با یکدیگر می‌پردازد و از آنجایی که حکومت یکی از اساسی‌ترین بنیادهای اجتماعی است و مورد عنایت خاص و شدید اسلام است و هدف امام علی (ع) در جنگ‌ها و جهادها تأسیس حکومت اسلامی بود، امروز هم حکومت ما باید انعکاسی از آن حکومت باشد. این رساله با هدف نشان دادن روش‌ها و شیوه‌های تشکیل حکومت و حکومت‌داری از منظر امیر مؤمنان علی (ع) تدوین یافته که شامل دو بخش است. بخش اول هم، شامل دو فصل می‌باشد، فصل اول؛ موضوع، هدف، بیان فرضیه و...، فصل دوم که شامل؛ احیای سیره نبوی (ع)، اصلاحات حضرت امیر (ع) و بخش دوم شامل ۳ فصل می‌باشد، که فصل اول شامل بررسی نظام سیاسی و اساسی حکومت علوی می‌باشد. همچنین فصل دوم به بررسی ساختار اداری در حکومت علوی پرداخته شده است. در فصل سوم به رفتار مالی در عصر علوی اشاره شده است. و در پایان هم نتیجه‌ای از بررسی این رساله ارائه گردیده است.

کلید واژگان: حکومت علوی، امام علی(ع)، حقوق اساسی، نظام اداری، نظام مالی، اصلاحات علوی

حقوق عمومی در حکومت امام علی (ع) از جمله مسایلی است که می‌توان از زوایای مختلفی مانند حقوق اساسی، اداری و مالی مورد بررسی و مذاقه قرار گیرد. از روزی که آفتاب عالمتاب علی (ع) از افق کعبه هویدا گشت و بشریت را مژده عدالت و معنویت بخشید، قرن‌ها می‌گذرد، اما نیاز بشر به جلوه‌های جلال و جمال کلام و مرام او پیوسته افزون‌تر و گسترده‌تر شده است؛ چرا که علی (ع) قصیده بلند آفرینش و نمونه ماندگار انسان کامل در صحنه حیات فردی و رب‌النوع عدالت و فضیلت در حوزه حیات جمعی و حکومت‌داری است.

یکی از شگفتی‌های وجودی او که پیوسته موجب حیرت و سرگشتگی غواصان وجود او بوده است، مجمع اضداد بودن این شخصیت بی‌همانند و بی‌نظیر است. قدرت و رأفت، قاطعیت و گذشت، حاکمیت و عدالت، جنگجویی و عبادت، فرمانروایی و ابوترابی پاره‌ای از خصوصیات و خصلت‌های به ظاهر متعارض و متضادند که همگی به صورتی تمام در او تجلی یافته‌اند.

یکی از ویژگی‌ها و صفات اعجاب‌انگیز او، درآمیختن اخلاق و سیاست و حاکمیت ارزش‌های اخلاقی بر منافع سیاسی است؛ دو مقوله‌ای که بسیاری از سیاستمداران و حکیمان و فیلسوفان بر این باورند که هرگز نمی‌توان آن‌ها را هم‌خانه کرد و سیاست مبتنی بر اخلاق را تحقق بخشید، چرا که به عقیده آنان سیاست اخلاقی عملاً مفهومی تناقض‌آمیز و پارادوکسیکال است.

اما در عین حال همگان بر این امر اتفاق نظر دارند که اگر سیاست، حاکمیت و قدرت به زیور زینده ارزش‌های اخلاق و معنوی آراسته شود و حاکمان و قدرتمندان متخلق به اخلاق پسندیده گردند مدینه فاضله تحقق خواهد یافت و بسیاری از گره‌های کور بشریت گشوده خواهد شد.

نام امیرمؤمنان علی (ع) و یاد حکومت کوتاه آن حضرت چنان با آزادی و برابری و دادگری و حقوق انسانی عجین شده است که نمی‌توان از برابری سخن گفت و تلاش امام در تحقق برابری انسان‌ها را بازگو نکرد، نمی‌توان به دادگری اهتمام ورزید و الگویی تمام عیار دادگری در حکومت علی (ع) را پیش روی ندید.

حکومت امام علی (ع) حکومتی کوتاه بود اما آن چه در راه و رسوم حکومتی امام در این دوران چهره گشود همه تاریخ را به نور خود روشن نمود. حق‌گرایی، انسان دوستی، عدالت خواهی و ظلم‌سنیزی، نفي سلطه‌گری، آزادی خواهی، حق‌مداری، نفي خودکامگی و خودکامگی‌پذیری، مدارا و رفق‌پذیری، مشارکت‌پذیری، نفي خشونت‌پذیری، شایسته‌سالاری، صراحت ورزی، وفاداری، امانتداری، خدمت‌گزاری، نفي اباحه‌گری، مردم‌داری و....

امیرمؤمنان علی (ع) سیاست را در معنای والا و الهی می‌شناخت و از سیاست‌های رایج و پیشین که همگی در خدمت قدرت و مکنت سیاست‌بازان بوده است، به شدت بیزار بود و همه وجود خود و حکومتش را برای هدایت مردمان به سوی خدا می‌خواست، از این رو هرگز از حدود و مرزهای الهی فراتر نرفت

و براي حفظ قدرت و حكومت و پيشبرد سياست‌ها و برنامه‌هاي اسلامي و انقلابي خويش ذره‌اي ستم روا نداشت.

آرأي صحنه سياست، قدرت و چگونگي رابط بين افراد ملت‌ها و دولت‌ها اينك و امخواه مردي است كه در گفتار و كردار هر نوع تفكر خود برتريني و نژادپرستي، فزون‌خواهي را نفي مي‌كند و اصول برادري، برابري همه ملل و انسان‌ها را به زيبايي هر چه تمام‌تر اعلام مي‌دارد، اكنون بشريت محتاج كلام و سيره آن بزرگ پرچم دار عدالت است تا روح معنويت را در كالبد جهان مرده و فسرده از تبعيض و جنگ و نابرابري و تجاوز بدمد و آن را حياتي مجدد بخشد.

از منظر امام علي (□) حكومت نه براي حفظ منافع دولت و طبقه حاكمه، بلكه براي تثبيت فضيلت، معنويت در امت و ايجاد جامعه مبتني بر كرامت انساني و فضائل اخلاقي است از آن رو به همين جهت كه مردم در منش و رفتار به حاكمان خود شبیه‌ترند تا به پدرانشان براي اخلاقي بودن جوامع و ملت‌ها ابتدا بايد سياستمداران و گردانندگان جوامع پاييند و پذيراي ارزش‌هاي الهي و انساني باشند، حتي اگر به مبدأ و معاد و پاداش و جزاي جهان ديگر باور نداشته باشند.

" فَهَبْ أَنَّهُ لَا ثَوَابَ يَرْجِي وَ الْإِعْقَابَ يَتَّقِي أَفْتَزْ هُدُونَ فِي مَكَارِمِ أَخْلَاقٍ "

و لذا حكومت آن حضرت حكومت تلاش براي تحقق كامل امنيت، حریت، عدالت، رفاهت، مساوات، اخوت و عبوديت بود.

حكومت حضرت علي (□) با چنين جلوه‌هاي حكومت موفق تاريخ است.

۳- بيان مسئله

در عصر بيداري ملت‌ها، حقوق عمومي، حقوق حاكم بر دولت است. همه بحث‌هاي اين رشته مهم حقوقي، تنظيم رابطه دولت و ملت است و اين مطلب، نشان‌دهنده تقابل دو مفهوم «آزادي مردم» و «حاکمیت دولت» است. شناخت تمایز و مرزهاي میان این دو حق، از بحث‌هاي مهمي است كه اصل نهم قانون اساسي جمهوري اسلامي ايران نيز به آن اشاره داشته است. بر اساس اين اصل: «در جمهوري اسلامي ايران آزادي و استقلال و وحدت و تماميت اراضي کشور از يکديگر تفکیک ناپذیرند و حفظ آنها وظیفه دولت و آحاد ملت است. هيچ فرد يا گروه يا مقامي حق ندارد به نام استفاده از آزادي، به استقلال سياسي، فرهنگي، اقتصادي، نظامي و تماميت اراضي ايران کمترین خدشه‌اي وارد کند و هيچ مقامي حق ندارد به نام حفظ استقلال و تماميت اراضي کشور آزادي‌هاي مشروع را، هر چند با وضع قوانين و مقررات، سلب کند.»

شناخت مرزهاي اعمال حاکمیت و نقض آزادي در نظام اسلامي، مستلزم شناخت مرزهاي آنها در تاريخ اسلام است و در اين میان دوره زمامداري اميرالمؤمنين (□)، نقش بسيار مهمي در تفسير و شناسايي مفاهيم حقوق عمومي در زمان حاضر دارد.

این تحقیق می‌کوشد با بررسی مؤلفه‌های حقوق عمومی و تعاریف آن‌ها در بیانات و رفتارهای امیرالمؤمنین علیه‌السلام، حقوق عمومی را در عصر علوی تبیین نماید. بی‌شک مشخص شدن این مطلب، راه را برای شناختن نظام حقوقی برخاسته از آن آسان خواهد نمود.

۴- فرضیه تحقیق

در دوران بیست و پنج ساله پس از رحلت پیامبر (□) و در دوره زعامت خلفاء، به تدریج چرخشی کامل به سوی نظام قبلیگی و فرهنگ جاهلی و تبدیل خلافت به سلطنت صورت گرفت و به سبب آن که این جاهلیت نوین در لباس دین در جامعه حاکم شده بود، پس از این که علی (□) زمام امور را به دست گرفت می‌بایست پرده از حقایق برمی‌داشت و امور را اصلاح می‌کرد و تحولات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی و سایر جنبه‌های حکومتی را از هرگونه آلودگی پاک می‌کرد و مجدداً سیره نبوی (□) را احیا می‌کرد.

می‌توان گفت امیرمؤمنان علی (□) احیا کننده اسلام ناب محمدی (□) است که با بررسی شیوه حکومت‌داری آن حضرت می‌توان به الگویی درست و مناسب برای امت اسلامی و حتی سایر جوامع بشری رسید تا به وسیله آن همگان به سعادت دنیوی و اخروی دست یابند.

۵- ادبیات موجود

در حوزه حکومت و شیوه مدیریتی حضرت امیرالمؤمنین علی (□) و مباحث مرتبط با آن آثار متعددی نگارش شده است که هر کدام جنبه‌های مختلفی از حوزه‌های حقوق عمومی در حکومت آن حضرت را مورد بررسی قرار داده‌اند، که از جمله می‌توان به کتاب حقوق عمومی در اسلام (جلد هفتم فقه سیاسی) آیت الله عباسعلی عمید زنجانی اشاره کرد که در این کتاب به مسایلی از قبیل بررسی مبانی اداری و مالی از بدو تأسیس نظام اسلامی تا کنون پرداخته است و سیر تحولات سیستم‌های مدیریتی از عصر نبوی و علوی تا امروز را مورد واکاوی قرار داده است. همچنین در این رابطه می‌توان به کتاب دولت آفتاب نوشته آقای مصطفی دلشاد تهرانی اشاره نمود که نویسنده در این کتاب به اندیشه سیاسی و سیره حکومتی امام علی (□) پرداخته و مسائلی چون شکل‌گیری دولت و حکومت علی (□)، مفهوم دولت، حکومت، بیعت و غیره پرداخته است سپس اوصاف زمامداران و مهم‌ترین لوازم زمامداری امور حکومتی و مدیریتی در اندیشه و سیره علی (□) را مطرح نموده است و آن‌گاه به نظام اداری و مختصات و ساختار آن در دولت امام علی (□) پرداخته است. همچنین از این نویسندگان دو کتاب دیگر با نام‌های ارباب امانت، و حکومت حکمت که پیرامون اخلاق اداری در نهج‌البلاغه و مهم‌ترین مباحث حکومتی در نهج‌البلاغه را می‌توان اشاره کرد.

از منابع قابل توجه دیگر می‌توان به کتاب آقای محمد جواد جاوید با عنوان مشروعیت قدرت و مقبولیت دولت در قرآن اشاره نمود که ضمن بررسی مباحث حقوق عمومی در اسلام به بررسی مفاهیم قدرت و مشروعیت و تبیین قدرت‌ها و دولت‌های نامشروع و مشروع از نظر قرآن پرداخته شده است.

از دیگر آثار می‌توان به کتاب امام علی و مسائل حقوقی نوشته محمد دشتی اشاره کرد که در باب رفتار و سیره الگویی امام علی (□) تدوین شده است از جمله موضوعات مورد بحث در این کتاب مواردی مانند: امام علی (□) و مسائل سیاسی، امام علی (□) و مدیریت، امام علی و امور قضایی و... است.

و آثار متعدد دیگری مثل کتاب‌های استاد شهید مرتضی مطهری در این زمینه از قبیل سیری در نهج‌البلاغه، جاذبه و دافعه علی (□) و... اشاره نمود که هر کدام از این کتب به بررسی جنبه‌های مختلف سیره حکومتی امام علی (□) پرداخته است اما آنچه در تمامی این آثار به چشم می‌خورد آن است که تقریباً بیشتر این آثار تنها به بخشی از مسئله مورد نظر محقق پرداخته است و مجموعه جامعی که مبانی حقوق عمومی در حکومت امام علی (□) را مورد بررسی قرار دهد یافت نمی‌شود که در این پایان نامه سعی شده تمامی این شئون مورد بررسی قرار گیرد.

۶- اهمیت و ضرورت تحقیق

فلسفه حقوق و مباحث مرتبط به آن از جمله مباحث جدیدی است که در چند سال اخیر مورد توجه مجامع علمی حقوقی قرار گرفته و با توجه به تحولات اخیر جهان و همچنین تحولات بنیادی در اندیشه فیلسوفان و دانشمندان و حکام در خصوص شیوه حکومت‌داری، و خلاء موجود در فقدان منشوری انسان‌ساز که پرکننده خلاءهای عمیق فکری، اجتماعی و سیاسی و همچنین پاسخگویی مسائل و مشکلات گوناگون مسلمانان و جوامع بشری در همه زمان‌ها و مکان‌ها باشد. برای نیل به مقصود، بررسی سیره حاکمان اسلامی و به خصوص سیره مدیریتی و حکومتی حضرت امیر مؤمنان علی (□) بهترین راهگشا و شفا برای دردهای امروز بشریت است.

بررسی و تحقیق در آموزه‌ها و الگوهای حکومتی ایشان که سراسر عقل و بینش است و بر مبنای خردی عمیق و دیدی نافذ به مباحث حکومتی و مدیریت پرداخته، می‌تواند همواره راهنمای جویندگان عدالت، حق و حقیقت و باشد. و همچنین ساختار حکومتی حضرت می‌تواند بهترین الگو برای دولتمردان در شیوه اداره امور باشد.

۷- روش و شیوه تحقیق

به موجب آنکه موضوع مورد پژوهش بررسی ساختار حکومتی امیر مؤمنان (□) می‌باشد لذا روش تحقیق توصیفی و به صورت کتابخانه‌ای و استفاده از منابع مکتوب تاریخی مرتبط است بالاخص گرانقدرترین و ارزشمندترین میراث فرهنگی اسلام بعد از قرآن، نهج‌البلاغه استفاده شده است. که این کتاب دریایی

معرفت بی‌انتهای و نور هدایت بدون خاموشی است و دستورالعملی برای سیادت این جهانی و سعادت آن جهانی بشریت است. و همچنین استفاده از سایر کتب معتبری همچون شرح ابن ابی الحدید، تاریخ کامل ابن اثیر، الغارات، تحف العقول و... نگارنده را در تدوین این رساله بسیار یاری نموده است.

در ضمن برای گردآوری منابع و مطالب موضوع ارائه شده از اینترنت و سایت‌های مربوطه استفاده شده است.

بخش اول: بررسی زمینه‌های سیاسی، حقوقی و اجتماعی حکومت امام علی (ع)

از شروع حکومت حضرت امیر تا دوران حکومت پیامبر اکرم (ع) تقریباً ۲۵ سال فاصله زمانی وجود دارد، که این فاصله زمانی مربوط به حکومت خلفاء راشدین (ابوبکر، عمر، عثمان) می‌شود، در طول این ۲۵ سال، بدعت‌ها و کجی‌هایی در اداره حکومت و حتی بین مردم ایجاد شده بود، ولی آنچه اهمیت دارد این است که این مشکلات عمدتاً به اشکالات در نحوه و روش حکومت و حکومت‌داری خلفای سابق برمی‌گردد، در این بخش تلاش گردیده که ابتدا به اقدامات اصلاحی امیرالمؤمنین و زوایای آن و در فصل دوم این بخش، به موانع و مشکلاتی که حضرت علی (ع) در ابتدای به دست گرفتن زمام امور حکومت پیش روی داشتند بپردازد. و در آخر به فرجام و عاقبت این اصلاحات صورت گرفته از جانب حضرت و کارگزارانش پرداخته شده است.

فصل اول: آسیب شناسی (موانع و مشکلات) قبل از حکومت حضرت امام علی (□)

بیعت با امام، به شکلی خودجوش با اصرار مردم و اقبال عمومی زایدالوصف صورت پذیرفت که بیعت‌های گذشته همانند آن نبوده است و امام با توجه به حضور بیعت کنندگان و اقامه حجت الهی به وجود یاران آماده، زمام امور را به دست گرفت و به محض استقرار حکومت الهی‌اش انجام اصلاحات سیاسی، اقتصادی، قضایی و دینی را آغاز کرد. اما امام در مسیر اصلاحات به موانعی برخورد نمودند که آهنگ اصلاحات را کند می‌کرد و یا به انسداد آن می‌انجامید. ما در این بخش به موانع موجود در سر راه امام (□) برای انجام اصلاحات و بررسی علل عدم توفیق امام در به دست آوردن حکومتی منسجم، همراه، بسامان و مطیع می‌پردازیم. این موانع عبارتند از:

مبحث اول - غارتگران بیت‌المال

نخستین گروه از مخالفان حضرت که امام در جای جای نهج‌البلاغه آن‌ها را هشدار می‌دهد و از حیف و میل بیت‌المال باز می‌دارد، آنانی هستند که در زمان خلفای گذشته سهم بیشتری از بیت‌المال داشتند و از حاتم بخشی خلیفه وقت بهره‌مند بودند. تبعیض در دریافت بیت‌المال سبب شده بود که در مقابل عدالت حضرت علی (□) مخالفت کنند. آنانی که امید نوازش امام در به دست آوردن سرمایه بیشتر را داشتند، در مقابل سخنان حضرت که می‌فرمود: «والله لو وجدته قد تزوج به النساء و ملک به الاماء لرددته...» از عدالت امام ترسیدند و سر به مخالفت برداشتند؛ هرچند در ظاهر خود را موافق نشان می‌دادند، اما به محض اینکه زمینه‌های ابراز مخالفت پدیدار شد، به یاری دیگر مخالفان، جبهه مشترکی تشکیل دادند و دشمنی خود را آشکار نمودند. این گروه را بیشتر، اطرافیان عثمان و مرفهان دوران حکومت وی تشکیل می‌دادند که موارد متعددی از کلام عادلانه امام علی (□) در نهج‌البلاغه، درباره آنان است. به گونه‌ای که سرانجام درباره امام گفته شد: «قتل علی فی محرابه لشدة عدله»^۱ یعنی امام به خاطر شدت عدالت خواهی و دادگستریش به شهادت رسید.

^۱ - مطهری مرتضی، بیست گفتار، گفتار اول و دوم.

مبحث دوم - طالبان قدرت و حکومت (ناکثین)

یکی از موانع عمده حضرت امیر برای رسیدن به نظام اصلاحی، کسانی بودند که در حکومت حضرت برای خود جایگاهی در نظر گرفته بودند، ولی هنگامی که امام علی (□) به حکومت رسید، آرزوی آنان ناکام ماند، به گونه‌ای که آنان در همان نخستین روزهای حکومت امام و در همان برخوردهای آغازین دریافتند که حضرت در تخصیص بیت‌المال و تقسیم مناصب دولتی بسیار ظریف و دقیق بوده و بر اساس حق و عدل، عمل نموده و اهل مسامحه و سازش نیست. آقای محمدی ری شهری در این باره می‌نویسد: «حساسیت و دقت شخص امام در بیت‌المال نیز شگفت‌انگیز است. او حاضر نبود حتی برای پاسخگویی به کسانی که برای کار شخصی در شب به او مراجعه می‌کنند، از نور چراغی که به درآمدهای عمومی تعلق دارد استفاده کند. از این رو، هنگامی که در خزانه مشغول نوشتن چگونگی تقسیم بیت‌المال بود و طلحه و زبیر برای کار شخصی خدمت او رسیدند، فوراً چراغی که متعلق به درآمدهای عمومی بود را خاموش کرد و دستور داد چراغ دیگری از خانه‌اش بیاورند.»^۱

بعضی از افراد پیمان شکن که در شورایی عمر برای انتخاب خلیفه سوم شرکت کرده بودند، خود را همتای امام به حساب می‌آوردند و از اینکه امام حکومت را دور از دسترس آنان اداره نمایند، برایشان بسیار گران آمد؛ از این رو، سر به مخالفت برداشته و زبان به اعتراض گشودند که حضرت نیز به آن‌ها پاسخ می‌فرماید: و اما اعتراض شما که چرا با همه به تساوی رفتار کردم؛ این روشی نبود که به رأی خود و یا به خواسته دل خود انجام داده باشم، بلکه من و شما این گونه رفتار را از دستورالعمل‌های پیامبر اسلام (□) آموختیم که چه حکمی آورد و چگونه آن را اجرا فرمود. پس در تقسیمی که خدا به آن فرمان داد، به شما نیازی نداشتیم. سوگند به خدا، نه شما و نه دیگران را بر من حقی نیست که زبان به اعتراض می‌گشاید.^۲

^۱ - ری شهری محمد محمدی ، «اصلاحات»، کتاب نقد، ش ۱۶ .
^۲ - نهج البلاغه، خطبه ۲۰۵، ص ۴۲۶ و ۴۲۷ .

مبحث سوم - خوارج یا منحرفان از دین (مارقین)

یکی دیگر از موانع عمده امام علی (□) در انجام اصلاحات، قشری نگری و متحجر بودن عده‌ای مدعی دین داری و دین مداری بود. گروهی که شعار دین داری و حکومت دینی می‌دادند، ولی در عمل بهره عمیق و دقیقی از دین نداشتند، تنها به چند شعار ظاهر فریب اکتفا نمودند و فهم غلط خود از دین را تنها فهم قابل قبول از دین می‌دانستند و تمام کسانی را که از دایره آن برداشت غلط خارج بودند کافر به شمار می‌آوردند. در فلسفه سیاسی خوارج می‌توان اندیشه فریبنده معاویه و عمرو عاص را به نحوی مشاهده کرد که آن دو از سادگی این خشکه مقدسان احمق، بهترین سود را در بازار سیاست برده‌اند. همان‌هایی که يك روز با شعار حکمیت، جنگ را به صلح کشاندند، مسبب آتش افروزی در جنگ دیگری شدند که مبنای آن فقط پذیرش حکمیت بوده است و اعتراض به اینکه چرا علی (□) به حکمیت تن داد و اکنون که به حکمیت گردن نهاده کافر شده است و....

همیشه در طول تاریخ قشری نگری و تحجر از بزرگترین موانع فهم دقیق و صحیح دین بوده است و در دوران امام علی (□) که جامعه اسلامی به نوعی دچار بحران هویت دینی شده بود این مسئله، نمود بیشتری دارد؛ زیرا از يك سو تفکر دینی در دام توطئه گرانی همچون معاویه، عمرو عاص، ابن کواء، ابوموسی اشعری و... گرفتار آمده بود و از سویی، خلافت عثمان و بیدادگری وی و اطرافیانش موجب وهن خلافت اسلامی شده بود و از ایمان مردم نسبت به دستگاه حکومت کاسته بود و مجموعه این عوامل سبب گردید که اطاعت مردم از امام علی (□) به عنوان مرجع دینی کاهش یابد. بنابراین، امام علی (□) در ارائه دیدگاه‌ها و عملکردهای خویش دو مسئولیت بزرگ بر دوش خود احساس می‌کردند: ارائه تفسیر صحیح از دین و دین داری؛ مقابله با اندیشه‌های باطل و خرافات و جهالت.

امام علی (□) در جبهه نشر اندیشه‌های حق، با قاطعیت ایستاد و لحظه‌ای درنگ نکرد و در بسیاری از خطبه‌ها به بیان اندیشه صحیح دینی پرداخت. بسیاری از خطبه‌ها به تقوای الهی اختصاص یافت و راز و رمز جهان هستی را برای مردم بیان نمود، خطبه‌های توحیدی امام علی (□) از برترین مباحث اندیشه‌های دینی است که امام با طرح این مباحث و پرورش اندیشمندان دینی، روح تازه‌ای به کالبد جامعه دینی دمیدند و خرافات و پیرایه‌هایی را که توسط علمای اهل کتاب وارد حوزه تعالیم دینی گردیده بود، زدودند. ولی چهره زاهد مآبانه متحجران تا حدود زیادی مانع از نفوذ کلمه امام بود. به جرأت می‌توان گفت خطر دینداران منحرف در عرصه فهم دینی، بسیار بیشتر از بی‌دینان و کافران است و اسلام در این عرصه در طول تاریخ ضربه‌های بزرگی خورده است و یکی از راز و رمزهای عدم موفقیت امام علی (□) نیز همین بوده است.

مبحث چهارم - رفاه طلبی و دنیاگرایی مردم

یکی از موانع جدی در سر راه اصلاحات امام علی (ع)، دنیاگرایی مردم در دوران حکومت ایشان بوده است. مردمی که طعم رفاه و متاع دنیا را در زمان خلیفه سوم چشیده بودند، از جنگ‌های طولانی مدت حضرت امام (ع) خسته شده و از فرمان امام برای حضور در جبهه‌های نبرد به دلیل روحیه رفاه طلبی و عافیت جویی ناشی از دنیامداری تبعیت نمی‌کردند. هرگاه امام (ع) دستور به انجام کاری می‌داد، آن‌ها عمل نمی‌کردند و بهانه‌های مختلف می‌آوردند. یک روز جنگ را به بهانه گرمای تابستان ترک می‌کردند و یک روز به خاطر سرمای زمستان،... چنان که امام بارها از آنان شکوه نموده، روش ایشان را تقیح می‌نمایند.^۱ نکته دیگر در عدم توفیق حضرت علی (ع) عدم انسجام نیروهای تحت فرمان در جبهه حق بوده است. آزادی مشروع که امام علی (ع) در دوران حکومت خود برای مردم فراهم آورده بود و نفوذ کلمه بعضی افراد و شخصیت‌ها در امت، سبب گردیده بود که تفرقه و عدم انسجام در لشکر و اصحاب امام (ع) مشاهده شود، به طوری که امام (ع) مشتاق است تا ۱۰ نفر از یاران خود را در مقابل یک نفر از یاران معاویه تعویض نماید.

«ای مردم که هرگاه فرمان دادم، اطاعت نکردید. هر زمان شما را دعوت کردم، پاسخ ندادید، هرگاه شما را مهلت می‌دهم، در بیهودگی فرو می‌روید و در هنگامه جنگ سست و ناتوانید... شگفت آور نیست که معاویه انسان‌های جفاکار و پست را می‌خواند و آن‌ها بدون انتظار کمک و بخششی از او پیروی می‌کنند و من شما را برای یاری حق می‌خوانم... ولی از طرف من پراکنده می‌شوید و به تفرقه و اختلاف روی می‌آورید.»^۲

مبحث پنجم - جهالت و ناآگاهی مردم

رشد نایافتگی جامعه انسانی یکی از عوامل شخصیت پرستی و توجه به مصداق‌ها به جای تکیه بر معیارهاست. جامعه توسعه یافته، جامعه‌ای است که معیارهای حق در آن ظهور و بروز داشته باشد و اندیشه‌های انسانی شکوفا شود که فلسفه بعثت پیامبران، شکوفایی اندیشه‌های بشری بوده است. چنان که امام علی (ع) در این باره می‌فرماید:^۳ جهالت و ناآگاهی مردم، از چند منظر قابل تأمل است. از یک سو، تحت تأثیر شخصیت انسان‌های ظاهرالصلاح در شناخت حق و باطل دچار تحیر و سرگردانی شده و حتی در حقانیت امام علی (ع) و یاری ایشان تردید می‌کردند. به عنوان نمونه، در جنگ جمل یکی از یاران امام که شخصیت زدگی سبب شك و تردید ایشان در حق بودن جبهه امام گردیده بود، از امام (ع) می‌پرسد: حق با کدام گروه است؟ از طرفی شما و عمار و ابن عباس و... و از طرفی جبهه مقابل عایشه و زبیر و طلحه و...؟ امام در پاسخ می‌فرماید: عیب شما در این است که حق را از روی مصداق‌ها جست‌وجو می‌کنی. تو اول حق را بشناس، آن گاه اهل حق را می‌شناسی و باطل را بشناس، آن گاه اهل باطل را می‌شناسی.

^۱ - همان، خطبه ۲۷، ص ۷۷.

^۲ - همان، خطبه ۱۸۰، ص ۳۴۳.

^۳ - همان، خطبه اول.

از سوي ديگر، معاويه و مروان و عمرو عاص و... با استفاده از ساده لوحی و جهل عرب، هر روز نقشه جديدي براي مقابله با امام (□) طرح مي‌کردند و بذر شك و تردید در حقانيت امام (□) را در دل مردم مي‌افکندند. از سويي، مردم معاويه را باهوش‌تر و سياستمدارتر از امام مي‌دانستند و حيله‌گري و فريب سياسي را از هوش سياسي تشخيص نمي‌دادند و جهالت ديگر آنان، اينکه امام را با شخصي همچون معاويه قياس مي‌کردند. نتيجه همه اين توهمات، دوري آنان از امام (□) و تنها گذاشتن حضرت در صحنه‌هاي مختلف بود.

روزي حارث بن حوث نزد امام آمد و گفت: آیا چنین پنداري که من اصحاب جمل را گمراه مي‌دانم؟ چنین نیست. امام فرمود: «اي حارث! تو زیر پای خود را دیدی، اما به پیرامونت نگاه نکردی پس سرگردان شدي، تو حق را نشناختی تا بدانی که اهل حق چه کسانی می‌باشند؟ و باطل را نشناختی تا باطل گرایان را بشناسی.»

حارث گفت: من و سعید بن مالک و عبدالله بن عمر، از جنگ کنار می‌رویم، امام فرمود: «همانا سعد و عبدالله بن عمر نه حق را یاری نمودند و نه باطل را خوار ساختند.»^۱

مبحث ششم - تغییر معیارهای الهی و بازگشت مردم به ارزش‌های جاهلی

یکی دیگر از موانع امام در راه انجام اصلاحات، نمودار شدن ارزش‌های جاهلی در جامعه و از بین رفتن و کم رنگ شدن ارزش‌های الهی بوده است. پس از رحلت پیامبر گرامی اسلام (□) بار دیگر تعصب‌های قومی و قبیله‌ای جان گرفت و سرمایه داری و دنیاطلبی ارزش یافت. به رستگاری، تقوای الهی، خدامحوری و حق طلبی کمتر توجه می‌شد. یکی از جنبه‌های تذکر پی‌درپی امام علی (□) به تقوا، توحید، آخرت و اهل بیت (علیهم‌السلام) در نهج‌البلاغه بیدارگری اصحاب و احیای ارزش‌های دینی است. اینکه امام بارها به فلسفه بعثت پیامبر اکرم (□) پرداخته، جاهلیت را وصف کرده و مقابله مشرکان با اسلام را بیان نموده، در حقیقت هشدار مردم به خدامحوری و بازگشت آنان به برنامه صحیح الهی است. یعنی فاصله ۲۵ ساله بین حکومت پیامبر گرامی اسلام و امام علی (□) سبب گردید تا ذائقه امت اسلامی تغییر یابد. پس از این استحاله عمیقی که در جامعه اسلامی رخ داد، امام در راه بازگرداندن امور به سیره رسول الله و عمل بر طبق آیات قرآن با دشواری‌های زایدالوصفی روبه رو بودند که حقیقتاً مانعی جدی در راه مقاصد الهی ایشان محسوب می‌گردید.

^۱ - همان، حکمت ۲۶۲.

مبحث هفتم - کینه توزی جمعی از بزرگان قریش از امام علی (□)

از دیگر موانع اصلاحات در حکومت امام علی (□) کینه‌ها و حقدهایی است که از مبارزات حق‌طلبانه امام علی (□) در دوران رشد و شکوفایی اسلام به همراه پیامبر گرامی نشأت می‌گیرد. بسیاری از مسلمانان دوره حکومت امام (□) که تا سال هشتم یا پس از آن نامسلمان، بلکه مخالف اسلام باقی مانده بودند و به زور شمشیر یا ترس و وحشت از قدرت خیره‌کننده مسلمانان، ظاهراً اسلام آورده بودند، در دوره عثمان به مسند قدرت تکیه زده و صاحب قدرت شدند و در دوره امام علی (□) دوباره از قدرت کنار گذاشته شدند. این گروه با آن کینه‌ها، هر روز مخالفت و نارضایتی خود را به نوعی با ایجاد تنش و نافرمانی بروز می‌دادند:

«قد وتر فيه صناید العرب و قتل ابطالهم و ناوش ذوبانهم فادع قلوبهم احقاداً بدرية و خبيرية و حنينية و غيرهن فاضبت علي عداوته و اكبت علي مُنابذته...»؛

«در راه خدا خون‌های گردنکشان عرب را به خاک ریخت و پهلوانانشان را به قتل رساند و سرکشان را مطیع و منقاد گردانید و دل‌هایشان را پر از حقد و کینه از واقعه جنگ بدر و خیبر و حنین و غیر آنان ساخت که در این جنگ‌ها بزرگانشان زیر شمشیر علی (□) به خاک هلاکت افتادند و بازماندگانشان کینه علی (□) را به دل گرفتند و در اثر آن کینه به دشمنی او قیام کردند و به مبارزه و جنگ با او هجوم آوردند...»^۱

امام علی (□) در نهج‌البلاغه درباره علت دشمنی قریش می‌فرماید:

«به خدا سوگند، قریش از ما انتقام نمی‌گیرد، جز به علت آنکه خداوند ما را از میان آنان برگزید و گرامی داشت و ما هم آنان را در زندگی خود پذیرفتیم.»^۲

امام علی (□) با وجود همه این موانع، که هر يك از آنها کافی است تا حکومتی را متوقف نماید، در انجام اصلاحات توفیق بسیار داشت که ذیلاً بدان خواهیم پرداخت.

فصل دوم: اصلاحات دوران حکومت علی (□)

«اصلاح» از نظر لغوی، سامان بخشیدن و بسامان کردن است.^۳ در مقابل، افساد متضاد آن است و اصلاح اجتماعی، یعنی دگرگون ساختن جامعه در جهت مطلوب.

^۱ - قمی شیخ عباس، مفاتیح الجنان، «دعای ندبه»، ص ۹۷۸.
^۲ - محمد دشتی، نهج البلاغه، خطبه ۳۳، ص ۸۴.
^۳ - معین، محمد، فرهنگ معین، ج ۱، ص ۲۹۳.

اصلاح طلبی يك روحیه اسلامی است. هر مسلمان به حکم اینکه مسلمان است، خواه ناخواه اصلاح طلب است و دست کم طرفدار اصلاح طلبی^۱ پیامبران الهی برای انجام اصلاحات در جوامع بشری سختی‌ها را به جان می‌خريدند و برای شکوفایی اندیشه بشری تلاش می‌نمودند. در تعبیر قرآن، به کرات واژه اصلاح‌طلبی و مصلحان مشاهده می‌شود و قرآن مجید، مصلحان را از مفسدان جدا می‌سازد و ویژگی‌های آنان را برمی‌شمارد. مفسدان غالباً با شعار اصلاح، دست به تغییرات می‌زنند که قرآن، نقشه آنان را نقش بر آب می‌نماید تا جایی که در سوره بقره آمده است که مفسدان تنها و تنها خود را مصلحان حقیقی معرفی می‌کنند، حال آنکه خداوند سبحان آنان را مفسدان حقیقی می‌شمارد:

□ و إِذَا قِيلَ لَهُمْ لَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ قَالُوا إِنَّمَا نَحْنُ مُصْلِحُونَ أَلَا إِنَّهُمْ هُمُ الْمُفْسِدُونَ وَلَكِن لَّا يَشْعُرُونَ. □

پیامبران نیز فلسفه بعثت خود را اصلاح جامعه می‌دانند. چنان که حضرت شعیب به قوم خویش فرمود:

□ إِنْ أُرِيدُ إِلَّا الْإِصْلَاحَ مَا اسْتَطَعْتُ وَمَا تَوْفِيقِي إِلَّا بِاللَّهِ... □

با توجه به سیاق آیات قرآن مجید به خوبی می‌توان فهمید که پیامبران، رسالت اصلاح جامعه انسانی را با تمام وجود پیگیر بوده‌اند و در این راه، لحظه‌ای کوتاهی نکرده‌اند و با اصلاح اندیشه دینی جوامع انسانی، اصلاح ساختار اقتصادی و شیوه حکومتی جامعه بشری در طول تاریخ با توکل بر خدا در مقابل قدرت‌های ستمگر ایستادگی کرده‌اند.

پیامبر گرامی اسلام و ائمه اطهار (علیهم‌السلام) نیز، که تربیت یافتگان مکتب قرآن و اسلامند، همواره با قول و فعل خویش به شیوه‌های گوناگون و بر حسب مقتضیات زمان، در راستای اصلاح جوامع اسلامی و انسانی تا سرحد امکان کوشیده‌اند. در این میان، نقش امام علی (□) به دلیل قرار گرفتن در مسند حکومت، آن هم پس از ۲۵ سال فترت غمباری که ارزش‌های اسلام واژگونه گردید، برجسته‌تر و در ابعاد مختلف قابل بحث و توجه جدی می‌باشد.

در گفتنمان علی بن ابی طالب (□) موعودگرایی يك مقوله انیمیشنی، مضحك، خیالاتی و اتوپیايي نیست، يك موعودگرایی واقع بینانه است... باید اصلاحات اجتماعی‌مان را در چارچوب تعریفی امام علی (□) و امام زمان (□) ادامه دهیم... افراد و جامعه‌ای که از اول به نقشه درستی فکر کنند و به يك اصول مقدس معتقد باشند و راه را گم نکنند، فقط آن‌ها می‌توانند اصلاح طلب و ترقی خواه باشند.^۴

در اسلام، اصلاح به اندازه و نوع فساد باید صورت گیرد و با مقتضیات زمان تعیین می‌شود. «در اسلام جزمیتی در شکل اصلاح از جهت کلی و جزئی و یا تند و کند بودن نمی‌توان یافت، بلکه شکل آن را میزان فساد و شرایط و مقتضیات زمان و مکان تعیین می‌کند. در این مکتب، ملاک بر مشروعیت و قداست مبارزه

^۱ - مطهری، مرتضی، نهضت‌های اسلامی در صد ساله اخیر، ص ۸.

^۲ - قرآن / بقره ۱۱ و ۱۲

^۳ - قرآن / هود ۸۸

^۴ - رحیم پور ازغدی، حسن، اصلاحات؛ ضرورت‌ها و چالش‌ها، ص ۷۶ - ۷۷